

فرایند الگوگیری از سیره معصومان علیهم‌السلام

مهدی مردانی گلستانی^۱

چکیده

بر پایه آموزه‌های قرآن و سنت، الگوگیری از سیره معصومان علیهم‌السلام یک تکلیف دینی است. این مهم، زمانی به شایستگی محقق خواهد شد که از پشتوانه‌ای علمی برخوردار باشد و از منطقی عملی پیروی کند. پژوهش حاضر کوشیده است با ترسیم مراحل عملی، چگونگی الگوگیری از معصومان علیهم‌السلام را نشان داده و شیوه بهره‌گیری از سیره ایشان را تبیین کند. نتیجه حاصل از این تحقیق که به روش توصیفی-تحلیلی به دست آمده، نشان می‌دهد که الگوگیری از سیره معصومان علیهم‌السلام فرایندی چهار مرحله‌ای است که از مرحله گزارش فعل معصوم تا مرحله عمل به سیره معصوم را دربر می‌گیرد. در واقع اثبات صدور فعل معصوم، احراز سیره بودن فعل معصوم، بررسی روا بودن تأسی به سیره معصوم و انتخاب طریقه تأسی به سیره معصوم، اصلی‌ترین مراحل الگوگیری از سیره معصومان علیهم‌السلام است که در صورت درست پیموده شدن به نتیجه‌ای مطلوب و تأثیرگذار خواهد انجامید.

کلیدواژه‌ها: سیره معصوم، سنت فعلی، روش تأسی، مراحل الگوگیری.

۱. استادیار پژوهشکده علوم اسلامی رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.

مقدمه

بر پایه آموزه‌های قرآن و سنت، الگوگیری از معصومان علیهم‌السلام امری لازم و ضروری است؛ چنان که خداوند متعال رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به عنوان الگو معرفی کرده و مؤمنان را به تأسی از ایشان فراخوانده است (احزاب / ۲۱). همچنین امیرالمؤمنین علیه‌السلام تأسی به انبیا به ویژه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را جزو وظایف دینی مسلمانان دانسته و آنان را به پیروی از رفتار حضرت علیه‌السلام دعوت کرده است (سید رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۱۶۰). اما الگوگیری از معصومان علیهم‌السلام امری بسیط و ساده نیست و بهره‌گیری از سیره ایشان به پیروی از اصول و قواعدی علمی نیازمند است. توضیح مطلب اینکه اگرچه الگوگیری در عرصه عمل اتفاق می‌افتد، اقدامی است که بر علم و دانش تکیه دارد و از پشتوانه‌ای پژوهشی برخوردار است؛ به ویژه اینکه مخاطب امروز به شخص معصوم دسترسی ندارد و برای دستیابی به سیره ایشان باید از طریق مطالعه و بررسی متون مرتبط اقدام کند. از این رو، ضروری است که همه آنچه در عملیات الگوگیری انجام می‌شود، در قالب فرایندی چند مرحله‌ای بررسی شده و نتایج حاصل از آن براساس معیاری مشخص سنجیده شود.

براین اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد با تشریح مراحل عملی، چگونگی الگوگیری از معصومان علیهم‌السلام را نشان داده و فرایند بهره‌گیری از سیره ایشان را تبیین کند. این فرایند که از مرحله گزارش فعل معصوم تا مرحله عمل به سیره معصوم را دربرمی‌گیرد، در قالب پاسخ به چهار سؤال زیر قابل بررسی است: آیا «فعل منسوب» از معصوم صادر شده است؟ آیا «فعل معصوم» سیره به شمار می‌آید؟ آیا تأسی به «سیره معصوم» رواست؟ «طریقه تأسی» به سیره معصوم کدام است؟ در واقع، منطق الگوگیری از سیره معصوم علیهم‌السلام بر پایه این چهار سؤال استوار است و به دلیل فراگیری این پرسش‌ها نسبت به مسائل الگوگیری، این فرایند نیز بر چهار مرحله مختلف پی‌ریزی شده است.

مفاهیم پژوهش

واژه «فرایند» در لغت به معنای عملیات و مجموعه عملکرد است (عمید، «فرایند»؛

معین، «فرایند» و در اصطلاح، بر مجموعه‌ای از فعالیت‌های مرتبط و متوالی برای تبدیل ورودی‌ها به خروجی‌ها به منظور رسیدن به هدف مورد نظر اطلاق می‌شود (کهری، «فرایند»). واژه «سیره» نیز در لغت به معنای مذهب، روش، راه و رسم، سلوک و طریقه است (دهخدا، «سیره») و در اصطلاح محدثان به معنای طریقه‌ای است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در طول حیات خود بر آن مواظبت می‌کرده است (غوری، ۱۴۲۸: ۴۱۲). از معنای اخیر با تعبیری، مانند: «منطق عملی» و «سبک و اسلوب رفتار» یاد شده است (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۶ / ۵۹)؛ از این رو، بر آن دسته از افعال معصوم که نشان‌دهنده سبک زندگی معصوم بوده و آموزه‌های وی را حکایت کند، «سیره» اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، سیره رفتار روشمند و فراگیر معصوم است که در بردارنده آموزه‌ای دینی است و در شئون مختلف زندگی کارایی دارد.

پیشینه پژوهش

اگرچه تحقیقات شایسته‌ای درباره الگوگیری از سیره معصومان علیهم‌السلام به انجام رسیده است (کامیابی، ۱۳۹۹؛ رفیعی محمدی و حسین‌پور، ۱۴۰۱: ۲۹۴-۳۱۸؛ نجفی، ۱۳۹۹: ۱۲۷-۱۴۵)، براساس جست‌وجوی نویسنده، در میان پژوهش‌های موجود، پژوهشی مستقل و متمرکز بر مسئله تحقیق حاضر به دست نیامد؛ تنها در برخی آثار منتشر شده از صاحب این قلم، مانند: کتاب‌های توسعه استنباط از فعل معصوم علیهم‌السلام و عصری‌سازی افعال پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مباحث مرتبطی ارائه شده که البته از نظر مسئله و رویکرد با پژوهش حاضر متفاوت است؛ چراکه مسئله این آثار «استنباط» و «عصری‌سازی» فعل معصوم است و نه الگوگیری. از سوی دیگر، رویکرد پژوهش حاضر حدیثی است و رویکرد آثار یاد شده به ترتیب فقهی و تاریخی است.

۱. اثبات صدور فعل معصوم

نخستین مرحله در الگوگیری از سیره معصومان علیهم‌السلام اعتبارسنجی گزارش سیره است؛ چراکه شاکله اصلی سیره را فعل معصوم تشکیل می‌دهد و تا زمانی که از انتساب فعل به

معصوم اطمینان پیدا نشود، نمی‌توان از سیره بودن فعل و الگوگیری از آن سخن گفت. توضیح مطلب اینکه به‌رغم اهتمام پیشوایان معصوم و تلاش عالمان خدوم در پالایش میراث علمی شیعه، برخی متون ضعیف و گاه ساختگی به تألیفات شیعه راه پیدا کرده است (شعرانی، ۱۳۷۲: ۱۵۶). در این میان، متون سیره نیز از این گزند علمی مصون نمانده و دستخوش تحریف و جعل قرار گرفته؛ از این رو علم اجمالی به وجود متون ضعیف باعث تکلیف پژوهشی شده و ضرورت بررسی تفصیلی روایات سره از ناسره را توجیه می‌کند. افزون بر این، ارزش و اعتبار مطالعات سیره بازسته به اعتبار افعالی است که از معصوم صادر شده است؛ یعنی تا زمانی که از درستی انتساب فعلی به معصوم اطمینان حاصل نشود، نمی‌توان آن متون را سیره خواند و آن مطالعات را دینی دانست. همچنین بعضی از چالش‌هایی که در مطالعه سیره معصومان علیهم‌السلام رخ می‌نماید، به مسئله صحت انتساب افعال معصوم برمی‌گردد و از مطرح نکردن این پرسش بنیادین نشئت می‌گیرد که آیا این فعل واقعاً از معصوم صادر شده است؟ برای نمونه، مسئله اختلاف افعال معصومان علیهم‌السلام (اختلاف السیره) یکی از چالش‌های سیره‌پژوهی است که در بعضی موارد، در بی‌اعتباری انتساب فعل به معصوم ریشه دارد؛ چنان‌که شیخ طوسی در توضیح روایتی درباره خواندن نماز بدون طهارت (وضو) توسط امیرالمؤمنین علیه‌السلام، آن را شاذ و مخالف دیگر روایات شیعه دانسته و به علت تنافی با عصمت امام، مردود شمرده است (طوسی، ۱۴۰۷: ۳ / ۴۰).

شایان ذکر است که منظور از «اثبات صدور فعل معصوم» اثبات حجیت و دلالت روایات حاکی از فعل معصوم است و نه حجیت نفس فعل معصوم که بر پایه مبانی اعتقادی شیعه ثابت و محرز است. به عبارت دیگر، بحث اعتبارسنجی افعال معصوم دو جهت مختلف دارد: یکی نسبت به نفس فعل معصوم که اعتبار آن قطعی است و برای شاهدان عینی رفتار معصوم کارایی دارد و دیگری نسبت به حکایت فعل معصوم که اعتبار آن محتمل است و برای مخاطبان عصر غیبت به کار می‌آید. عنوان «اثبات صدور فعل معصوم» براساس جهت دوم است و در پی احراز راستی روایات سیره و احراز انتساب

آن‌ها به معصوم است که از طریق قواعد سندی، متنی و منبعی انجام می‌گیرد. پس از شناخت چیستی و چرایی اعتبارسنجی فعل معصوم، سؤال دیگری پیش می‌آید که چگونه می‌توان دربارهٔ صحت انتساب فعل به معصوم اطمینان پیدا کرد؟ در این باره مطالب و مباحث گوناگونی وجود دارد که مخاطبان ارجمنند به منابع مرتبط ارجاع داده می‌شوند^۱ و در اینجا به اختصار، تنها به معرفی مهم‌ترین مباحث اعتبارسنجی پرداخته می‌شود. به طور کلی ارزیابی روایات بر پایهٔ دو مبنای بنیادین صورت می‌گیرد: وثاقت صدور و وثاقت سندی.

الف) وثاقت صدور

بر پایهٔ مبنای وثاقت صدور، ملاک اعتبار حدیث اطمینان به صدور حدیث است که از طریق مجموعهٔ قرینه‌های سندی، متنی و منبعی به دست می‌آید (محمدی ری شهری، ۱۳۹۷: ۱/۲۵۹). منظور از قرینه‌های سندی نشانه‌های حاکی از صحت و اتصال سند حدیث است که در ادامه بحث خواهد آمد. مقصود از قرینه‌های متنی نیز نشانه‌های مربوط به وثاقت متن حدیث است که مهم‌ترین آن‌ها موافقت با قرآن، سنت، عقل و تاریخ قطعی است و مراد از قرینه‌های منبعی نشانه‌های مربوط به اعتبار منبع حدیث است که در دو شاخهٔ مؤلف و تألیف، شامل اموری چون شخصیت علمی، قدمت تاریخی، شهرت و مقبولیت می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۶۳). بر این اساس، چنانچه در ارزیابی‌های سه‌گانهٔ یادشده به صدور حدیثی از معصوم اطمینان حاصل شود، آن حدیث «صحیح» خوانده شده و در صورت تردید در صدور، «ضعیف» شمرده می‌شود. بر اساس این مبنا، درستی سند حدیث قرینه‌ای بیش نیست و در صورت وجود

۱. برای آگاهی بیشتر در این باره بنگرید به: علی نصیری، *روش‌شناسی نقد حدیث*؛ سید محمد کاظم طباطبایی، *منطق فهم حدیث*؛ مهدی ایزدی، *روش‌شناسی نقد متن حدیث*؛ فتحیه فتاحی‌زاده، *مبانی و روش‌های نقد حدیث در کتب اربعه*؛ داود معماری، *مبانی و روش‌های نقد متن حدیث از دیدگاه اندیشوران شیعه*.

قراین اطمینان آور، ضعف راویان به نتیجه ارزیابی خللی وارد نمی آورد.

ب) وثاقت سندی

اما در مبنای وثاقت سندی، صحّت و اعتبار احادیث فقط براساس اعتبار سند و در دو بخش وثاقت راویان و اتصال زنجیره سند ارزیابی می شود (خوئی، ۱۴۱۳: ۱/۲۰)؛ یعنی اگر سند متصل بوده و همه راویان آن امامی و ثقه باشند، آن حدیث «صحیح» شمرده می شود و چنانچه سند حدیث متصل بوده و همه یا بعضی از راویان ثقه غیرامامی باشند، حدیث «مؤثق» خوانده می شود. در صورت متصل بودن سند و غیرثقه بودن همه یا بعضی از راویان امامی، به حدیث «حسن» گفته می شود و چنانچه سند حدیث متصل بوده و همه یا بعضی از راویان غیرثقه و غیرامامی باشند، حدیث «ضعیف» قلمداد می شود. این مبنا، با چالش های متعدّدی روبه روست و نمی توان آن را معیار اعتبارسنجی متون سیره دانست. توضیح مطلب اینکه یکی از عللی که بر بهره گیری اندک محققان از متون سیره معصومان علیهم السلام اثر گذاشته و موجب رویکرد حدّ اقلی آنان در استناد به سیره معصوم شده، روش سند محور است؛ چراکه این امر سبب خارج شدن بسیاری از متون سیره بدون سند و یا بدون سند معتبر از گردونه بررسی و قرار نگرفتن آن ها در طریق کشف و تبیین آموزه های دینی می شود؛ حال آنکه مطابق روش قرینه محور، شماری از متون یاد شده از قراین متنی و مصدري برخوردارند و می توانند دلیل یا مؤید آموزه های دینی قرار گیرند.

۲. احراز سیره بودن فعل معصوم

مرحله دوم در روند الگوگیری از سیره معصومان علیهم السلام احراز سیره بودن فعل معصوم است؛ یعنی در صورت فرض صدور یک فعل از معصوم، این سؤال مطرح می شود که آیا این فعل سیره نیز هست؟ به این معنا که آیا قابلیت تأسی دارد و می توان به آن اقتدا کرد؟ چراکه بعضی از افعال معصومان علیهم السلام در عین وثاقت و اعتبار، سیره نیست و نمی توان به آن عمل کرد؛ برای نمونه رفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله در باز کردن فرق موی سر (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۶۸۶) یا خواندن هزار رکعت نماز در شبانه روز (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱/۲۸۱) نمونه افعالی

هستند که قابلیت تأسی ندارند. این مسئله در محدودیت‌هایی ریشه دارد که گاه در مسیر فعل معصوم قرار می‌گیرد و آن را از «سیره شدن» باز می‌دارد. به عبارت دیگر، مقتضای تأسی در فعل معصوم موجود است؛ اما محدودیت‌هایی پدید می‌آید که مانع بروز این قابلیت می‌شود. از این رو، برای احراز سیره بودن فعل معصوم علیهم‌السلام باید موانع سیره شدن شناسایی شده و نبود آن‌ها در فعل معصوم ابراز شود.

۱-۲. موانع سیره شدن فعل معصوم

منظور از موانع سیره شدن، محدودیت‌های است که بر سر راه فعل معصوم علیهم‌السلام قرار می‌گیرد و آن را از سیره شدن باز می‌دارد. این مسئله از جمله مباحثی است که در تألیفات محققان معاصر (عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۱: ۶۹، ۱۹۰؛ حسینیان، ۱۳۹۳: ۷-۳۷؛ نبوی، ۱۳۸۷: ۸۲) و در آثاری از صاحب این قلم مورد توجه قرار گرفته است (مردانی گلستانی، ۱۳۹۸: ۷۴؛ همو، ۱۴۰۱: ۴۷). لیکن آنچه در اینجا مورد تأکید قرار می‌گیرد، محدودیت‌هایی است که در مرحله صدور فعل رخ می‌دهد و مانع پیروی مخاطب عصر حضور می‌شود:

الف) موقعیتی بودن فعل معصوم

یکی از موانع سیره شدن فعل معصوم موقعیتی بودن آن است. این محدودیت به مصادیقی نظر دارد که به یک موقعیت و وضعیت مشخص محدود شده و قابلیت سرایت به دیگر موقعیت‌ها و مناسبت‌ها را ندارند. نمونه این محدودیت، رفتار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در باز کردن فرق موی سراسر است؛ چراکه براساس روایتی که ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرق باز کرد؛ اما این فعل سیره نبود و برای دیگران رهنمودی نداشت. توضیح مطلب اینکه رفتار پیامبر در یک موقعیت خاص انجام گرفت و در غیر آن موقعیت هیچ‌گاه تکرار نشد: «ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: آیا فرق باز کردن در موی سراز سنت است؟ فرمود: نه. گفتم: آیا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرق سرباز کرد؟ فرمود: آری. گفتم: چگونه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرق باز می‌کرد، در حالی که از سنت نیست؟

فرمود: هرکه در موقعیتی که رسول خدا ﷺ قرار گرفت، فرار گیرد و مانند آن حضرت فرق باز کند، به سنت او عمل کرده است و الا نه» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶ / ۴۸۶). رمل یا شتاب گرفتن در هنگام طواف (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۲ / ۴۱۲)، احرام بستن به وقت ظهر (کلینی، ۱۴۰۷: ۴ / ۳۳۲)، لبیک گفتن در منطقه بیدا (همان، ۳۳۴ / ۴) و کراهت ازدواج در ماه شوال (همان، ۵ / ۵۶۳) از دیگر نمونه‌هایی است که به علت موقعیتی بودن، قابلیت تاسی نداشته و سیره قلمداد نمی‌شوند.

ب) اختصاصی بودن فعل معصوم

از دیگر موانع سیره شدن فعل معصوم، اختصاصی بودن آن فعل است. این محدودیت سبب می‌شود که فعل صادرشده از معصوم در خود معصوم متوقف بماند و مجال جریان به دیگر افراد امت نیابد. منظور از اختصاصی بودن نیز ویژگی منحصر به فردی است که معصوم را از دیگر افراد امت متمایز ساخته و امکان مشارکت غیر در آن ویژگی را سلب کند (حسینی سمnانی، ۱۳۹۳: ۱۵ / ۵۴۴)؛ در این صورت، افعالی که از این ویژگی نشئت می‌گیرد و به علت این ویژگی رخ می‌دهد، اختصاصی خوانده می‌شود.

شایان ذکر است که این اصطلاح غالباً در مباحث فقهی به کار می‌رود و بیشتر به مصادیقی نظر دارد که به ویژگی عصمت محدود شده است (مردانی گلستانی، ۱۴۰۰: ۷۸)؛ حال آنکه عصمت تنها ویژگی منحصر به فرد معصوم نیست و وی از صفات ویژه دیگری نیز برخوردار است که منشأ صدور افعال اختصاصی‌اند؛ چنان‌که شخصیت معنوی، جایگاه سیاسی، شأن اخلاقی و قدرت تکوینی از جمله خصوصیات است که همچون عصمت موجب اختصاصی شدن فعل صادرشده از معصوم می‌شود؛ برای نمونه «خواندن هزار رکعت نماز در شبانه‌روز» از جمله افعال اختصاصی‌ای است که به علت شخصیت معنوی معصوم صورت می‌پذیرد و امکان پیروی ندارد؛^۱ چنان‌که در حدیث

۱. البته خواندن هزار رکعت نماز وقتی محال است که در همه روزها و سال‌های عمر انجام گیرد؛ چنان‌که

شریفی از امام باقر علیه السلام آمده است: «به خدا سوگند که شیوه علی علیه السلام چنین بود که مانند بندگان غذا می خورد و بر زمین می نشست ... او در هر شب و روز هزار رکعت نماز می گزارد و شبیه ترین کسان به او علی بن الحسین علیه السلام بود و پس از او کسی طاقت عبادت علی علیه السلام را نداشت» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱/۲۸۱).

همچنین «زهد در خوراک و پوشاک» از دیگر افعال اختصاصی ای است که به علت جایگاه سیاسی (رهبری) معصوم صادر می شود و امکان تأسی ندارد؛ چنان که وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام عاصم بن زیاد را ملامت کرد که چرا لباس خشن به تن کرده و از زندگی دست کشیده و او به امام علیه السلام خرده گرفت که چرا خود لباس خشن می پوشد و غذای سخت می خورد، امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «وای بر تو، من مانند تونیستم؛ خداوند متعال بر پیشوایان برحق لازم دانسته که زندگی خود را با ضعیف ترین مردم برابر کنند تا تهی دستی مستمندان آنان را به هیجان نیاورد و به طغیان نکشانند» (سید رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۲۰۹).

«پرهیز از خوردن دو نوع غذا با هم» نیز نمونه دیگری از افعال اختصاصی است که به اقتضای شأن اخلاقی معصوم مجال بروز می یابد و ضرورت تأسی ندارد؛ چنان که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله از نوشیدن شیر همراه با عسل خودداری کرد، این پرهیز را منش اخلاقی خود برشمرد و دیگران را از انجام آن منع فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در شامگاه روز پنجشنبه ای در مسجد قبا افطار کرد و فرمود: آیا نوشیدنی هست؟ اوس بن خولی انصاری قدحی شیر آمیخته به عسل آورد. چون حضرت آن را نزدیک دهان آورد، نیاشامید و کنار گذاشت و فرمود: دو نوشیدنی که به یکی می توان اکتفا کرد، نمی نوشم و نوشیدن آن ها را هم حرام نمی کنم؛ ولی برای خدا تواضع می کنم» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۱۲۲).

سرانجام، «انجام امور خارق العاده» از دیگر مصادیق افعال اختصاصی است که به علت قدرت تکوینی (معجزه) معصوم انجام می شود و امکان اقتدا ندارد؛ چنان که وقتی

→ درباره امیرالمؤمنین و امام سجاد علیهما السلام وارد شده، وگرنه خواندن هزار رکعت نماز در یک روز، امری ممکن و شدنی است.

«مردی در زمان رسول خدا ﷺ وفات کرد، او را نزد گورکن ها بردند، آن ها نتوانستند چیزی از زمین بکنند، به پیامبر شکایت کردند و گفتند: ای رسول خدا ﷺ کلنگ ما در زمین کارگر نمی شود؛ گویا آن را به سنگ خارا می زنیم. رسول خدا ﷺ فرمود: برای چه، رفیق شما که خوش خلق بود؟ ظرف آبی بیاورید. چون آوردند، دست در آن برد و بر زمین پاشید. سپس فرمود: بکنید. گورکن ها کردند، زمین مثل ریگ نرمی بود که روی هم می ریخت» (همان، ۲/ ۱۰۱).

ج) باور عمومی مردم

باور عمومی مردم محدودیت دیگری است که مانع سیره شدن فعل معصوم می شود. این محدودیت باعث می شود که فعل معصوم از محیط زندگی وی فراتر نرود و برای مخاطب غیربومی رهنمودی نداشته باشد. منظور از باور عمومی نیز عادات، آداب و رسوم، آیین ها و اعتقادات محلی ای است که بر محیط زندگی معصوم حاکم است. نمونه این محدودیت «خرید و حمل آذوقه منزل» است که در عرف زمانه امام صادق علیه السلام امری ناپسند بود و حضرت نیز از انجام آن خودداری می کرد: «امام صادق علیه السلام مردی از اهل مدینه را دید که چیزی برای خانواده اش خریده و با خود می برد. چون آن مرد امام علیه السلام را دید، خجالت کشید. امام فرمود: این را خودت خریده و برای خانواده ات می بری؟ به خدا سوگند، اگر اهل مدینه نبودند [که خرده گیری کنند] من هم دوست داشتم برای خانواده ام چیزی بخرم و خودم ببرم» (همان، ۲/ ۱۲۳). به واقع، خرید و حمل آذوقه منزل، رفتار پسندیده ای است که امام صادق علیه السلام تنها به خاطر همراهی با فرهنگ مردم مدینه ترک نمود و از انجام آن خودداری ورزید؛ وگرنه در دیگر شرایط و موقعیت هایی که محدودیت یاد شده وجود ندارد، شایستگی تاسی دارد و می توان بدان عمل کرد. چنان که این رفتار در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفتاری زیننده بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز بدان عمل می کرد؛ ابوسعید خدری نقل می کند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از اینکه کالا و مواد مورد نیاز خانواده اش را از بازار به خانه ببرد، خجالت نمی کشید» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱۱/ ۱۹۶).

نمونه دیگر، رفتار امام باقر علیه السلام در «خواندن نماز میّت بر کودک» است که به علّت همراهی با باور عمومی مردم صورت گرفته است. زراره می گوید: «هنگامی که جنازه کودک را به بقیع رساندند، امام باقر علیه السلام پیش آمد و براو نماز خواند، سپس امر فرمود که او را دفن کنند. آن گاه دست مرا گرفته، به گوشه ای برد و فرمود: بر اطفال نماز گزارده نمی شود، همانا امیرالمؤمنین علیه السلام نیز امر می نمود که اطفال را پس از مردن دفن کنند و بر آنان نماز نمی گزارد. من به خاطر اهل مدینه نماز گزاردم، چون خوش ندارم که بگویند: اینان بر اطفال خود نماز نمی گزارند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳ / ۲۰۶). گویی نماز گزاردن بر کودکان جزو سنن دینی نبوده است و امام باقر علیه السلام تنها به خاطر مراعات فرهنگ اهل مدینه که ترک نماز بر کودک میّت را قبیح می دانستند، به این رفتار تن داده است.

۲-۲. قراین سیره بودن فعل معصوم

آنچه در این مرحله اهمیت دارد، قراین و نشانه هایی است که تشخیص سیره بودن فعل معصوم را تسهیل کند و راهکاری برای احراز «نبود» محدودیت های یادشده باشد. از این رو، باید افزود که مواردی همچون تصریح قولی معصوم، التزام عملی معصوم، دعوت مخاطب به تأسی، تکرار و فراوانی فعل معصوم و ستّ بودن فعل معصوم از جمله نشانه هایی است که بر سیره بودن فعل معصوم دلالت می کند.

الف) تصریح قولی معصوم

تصریح قولی معصوم به این معناست که معصوم در کلام خود به صورت نص و صریح اعلام کند که رفتار وی سیره است و شایسته تأسی یا نه؛ برای نمونه هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام از سبک زندگی خود در خوراک و پوشاک سخن می گوید، تصریح می کند که رفتار ایشان عمومیت نداشته و برای دیگران قابل تأسی نیست. ایشان خطاب به کارگزار خود در بصره نوشته اند: «آگاه باش هر پیروی کننده را پیشوایی است که از او پیروی کرده، به نور دانشش روشنی می جوید. بدان که پیشوای شما از دنیای خود به دو کهنه جامه و از خوراکش به دو قرص نان اکتفا کرده است. البته شما بر چنین رفتاری توانا

نیستید؛ ولی مرا با پرهیزکاری و کوشش و پاک دامنی و درست کاری یاری کنید» (سید رضی، ۱۴۱۴: نامه ۴۵). اما وقتی رسول خدا ﷺ از افعال پنج‌گانه خویش سخن می‌گوید، تصریح می‌کند که این رفتارها سیره بوده و به هدف الگوگیری مردم از ایشان انجام می‌شده است: «پنج چیز است که تا لحظه مرگ آن‌ها را رها نمی‌سازم تا سنت بعد از من گردد: غذا خوردن با بردگان بر روی زمین، سوار شدن بر الاغ بی پالان، دوشیدن شیربز، پوشیدن لباس پشمی و سلام کردن بر کودکان» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۳۷/۲).

ب) التزام عملی معصوم به فعل

برای نمونه، هنگامی که از امام رضا علیه السلام درباره فعل پیامبر صلی الله علیه و آله در تفاوت مسیررفت و برگشت سؤال شد، حضرت علیه السلام ضمن تأیید قوی، به التزام عملی خود به این رفتار اذعان کرده و آن را جزو آموزه‌های شایسته تأسی پیامبر صلی الله علیه و آله دانست: «موسی بن عمر گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: مردم روایت کرده‌اند که چون رسول خدا صلی الله علیه و آله از راهی می‌رفت، از راه دیگری باز می‌گشت، آیا این گونه بود؟ امام رضا علیه السلام فرمود: آری، من نیز غالباً چنین می‌کنم، توهم چنین کن. سپس فرمود: آگاه باش که این کار روزی را بیشتر می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۳۱۴).

ج) دعوت مخاطب به تأسی

برای نمونه هنگامی که امیرالمؤمنین از سه رفتار ننوشیدن شراب، نخوردن جری^۱ و مسح نکردن بر کفش به عنوان سیره اهل بیت علیهم السلام یاد می‌کند، مردم را به پیروی فرامی‌خواند و در حقیقت به سیره بودن افعال یاد شده اذعان می‌کند: «ما اهل بیتی هستیم که مسکر نمی‌نوشیم و جری نمی‌خوریم و بر کفش‌ها مسح نمی‌کشیم؛ پس هرکس از شیعه ماست، می‌باید به ما اقتدا کند و از سنت ما تبعیت نماید» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴/۴۱۵).

۱. نوعی ماهی حرام‌گوشت.

د) تکرار و فراوانی فعل معصوم

برای نمونه رنگ کردن موی سرو صورت (خضاب کردن) از افعالی است که جز امیرالمؤمنین علیه السلام همه اهل بیت علیهم السلام انجام داده و بر آن مواظبت داشته‌اند. این ویژگی نشان می‌دهد که خضاب کردن سنتی دینی و آموزه‌ای شایسته تأسی است؛ چنان‌که حفص اعور می‌گوید: «به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا رنگ بستن بر محاسن و موی سر از سنت‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله است؟ فرمود: آری، گفتم: ولی امیرالمؤمنین علیه السلام موهای خود را رنگ نمی‌کرد، فرمود: همانا این قول رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: "موی محاسنت با خون سرت خضاب خواهد شد" آن حضرت را از خضاب کردن باز داشت» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۴۸۱). همچنین حلبی روایت می‌کند: «از امام صادق علیه السلام درباره رنگ کردن مو پرسیدم، فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام حسین علیه السلام و امام باقر علیه السلام با وسمه^۱ رنگ می‌کردند» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱/۸۰) و حسن بن جهم نیز نقل می‌کند که «امام کاظم علیه السلام را دیدم که خضاب بسته است، گفتم: قربانت شوم آیا خضاب بسته‌اید؟ فرمود: آری، به راستی که رسیدگی مرد به خودش از چیزهایی است که باعث فزونی عفت زنان می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۶۷).

ه) اذعان به سنت بودن فعل معصوم

برای نمونه هنگامی که امام صادق علیه السلام از رفتار حضرت زهرا علیه السلام در اظهار هم‌دردی با همسر جعفر بن ابی طالب یاد می‌کند، با تصریح به سنت شدن آن رفتار، به سیره بودن آن دلالت می‌دهند: «هنگامی که جعفر بن ابی طالب به شهادت رسید، رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه علیه السلام فرمود که تا سه روز برای اسماء بنت عمیس غذا تهیه کند و با زنان نزد او رود و سه روز در آنجا بماند. پس از آن، این سنت جریان یافت که تا سه روز به خانواده مصیبت‌زده اطعام کنند» (همان، ۲۱۷/۳).

۱. برگ نیل که در آب خیس می‌کنند و برای رنگ کردن موبه کار می‌برند.

۳. بررسی روا بودن تأسی به سیره معصوم

سومین مرحله در الگوگیری از سیره معصومان عليهم السلام بررسی روا بودن تأسی به سیره معصوم است؛ زیرا پس از احراز سیره بودن «فعل معصوم»، این سؤال محوری مطرح می‌شود که آیا سیره معصوم در عصر حاضر نیز شایسته پیروی است و تأسی به آن برای مخاطب امروز جایز است؟ چه بسا افعالی از معصوم صادر شده و قابلیت تأسی داشته است؛ اما انجام آن در زمان حال و برای مخاطب امروز روا نیست؛ مانند لیسیدن ظرف غذا (همان، ۶/ ۴۹۳) و سرمه کشیدن چشم (همان، ۶/ ۲۹۷) که توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام می‌گرفت و برای مخاطب عصر ایشان شایسته تأسی بود، اما اکنون به علت تغییر عرف و تفاوت فرهنگ مخاطب، امکان پیروی ندارد. در این صورت، باید به روش دیگری از افعال ایشان الگوگیری کرد و مطابق سبک زندگی امروزی از آن‌ها بهره گرفت. البته این مسئله در محدودیت‌هایی ریشه دارد که به علت شرایط مخاطب امروز رخ می‌دهد و مانع از روا بودن تأسی به سیره معصوم می‌شود؛ همان‌گونه که در مرحله پیشین، برخی از محدودیت‌ها به علت شرایط فعل معصوم پدید آمد و مانع از سیره شدن آن شد.^۱ از این رو، باید ضمن تبیین معیار روا بودن تأسی و ملاک تشخیص آن، به شناسایی موانع تأسی پرداخت و راهکار برون رفت از آن‌ها را بررسی کرد.

شایان ذکر است که در عصر حاضر، موانع تأسی فقط در محدودیت‌های عرف / فرهنگ محصور نمی‌شود و اسباب دیگری نیز دارد که بیشتر به ویژگی عصری مخاطب و فاصله زمانی بین او و معصوم مربوط می‌شود؛ چراکه برخی از افعال معصوم به علت محدودیت‌های تاریخی امکان تأسی ندارد و نمی‌توان از آن پیروی کرد؛ مانند هم‌غذا

۱. شایان ذکر است که این مرحله از جهت موضوع، محمول و مخاطب با مرحله قبل تفاوت دارد. موضوع مرحله قبل فعل معصوم بود و در این مرحله سیره معصوم است. محمول نیز در مرحله قبل قابلیت تأسی بود و در این مرحله، روایی تأسی است و مخاطب که در مرحله قبل، انسان عصر حضور بود، در این مرحله انسان عصر حاضر است.

شدن با بردگان که در زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مرسوم بوده و امروزه به علت برافتادن نظام برده‌داری و نبود شرایط بردگی مجال پیروی از آن فراهم نیست (مردانی گلستانی، ۱۴۰۱: ۴۸)؛ البته این موضوع غیر از بحث حاضر است که به علت محدودیت‌های فرهنگی روی داده و شایستگی تأسی به سیره را مورد تأمل قرار می‌دهد.

۳-۱. معیار روا بودن تأسی

معیار روا بودن تأسی به سیره معصوم عرف مخاطب است؛^۱ یعنی این عرف و فرهنگ زمانه است که شایستگی تأسی به سیره را تعیین می‌کند؛ چنان‌که اگر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در دوره معاصر زندگی می‌کرد، سبک زندگی خود را با آداب و رسوم زمانه تطبیق می‌داد و از دانش و فناوری روز استفاده می‌کرد؛ یعنی نه تنها دیگر با دست غذا نمی‌خورد، برالاغ بی‌پالان نمی‌نشست و لباس پشمینه برتن نمی‌کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۸۱/۲)، بلکه شرایط زندگانی خود را متناسب با فرهنگ زمانه تغییر می‌داد و هماهنگ با اهداف متعالی خود، مصادیق رفتاری روز را جایگزین می‌کرد.

علت چنین باوری رفتار اهل بیت علیهم‌السلام در دوره حضور ایشان است که بر اثر تفاوت فرهنگ و عرف زمانه تغییر می‌کرد؛ برای نمونه خرید و حمل آذوقه منزل رفتاری است که در عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رواج داشت و توسط حضرتش انجام می‌شد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۱/۱۹۶)؛ اما در عصر امام صادق علیه‌السلام و در فرهنگ زمانه ایشان ناروا بود و حضرت هم از انجام آن خودداری می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۱۲۳). همچنین احادیثی که از تأثیر عرف در انتخاب پوشش مؤمن خبر می‌دهد (طبرسی، ۱۴۱۲: ۹۸) و یا انسان را فرزند زمان خود معرفی می‌کند (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۵۰؛ آمدی، ۱۴۱۰: ۳۴)، از دیگر مستندات است که بر این باور بنیادین دلالت می‌کند.

۱. عرف در لغت به معنای شناخت است و در اصطلاح به معنای چیزی است که نزد مردم شناخته شده و غالباً مطابق آن عمل می‌شود (حکیم، ۱۴۱۸: ۴۰۵).

ازاین رو، اگر سیره معصوم با عرف و فرهنگ مخاطب سازگار نباشد، باید در شایستگی تأسی به آن تردید کرد؛ برای نمونه وقتی جامعه امروز سرمه کشیدن چشم را برای مردان، لیسیدن ظرف را پس از خوردن غذا و پوشیدن لباس وصله دار را نمی پسندد، نمی توان به استناد اینکه افعال یادشده سیره معصوم بوده، به آن ها عمل کرد. ازاین رو، وقتی فعل معصوم در نظر عموم ناروا باشد و به عنوان رفتاری ناهنجار شناخته شود، بار ارزشی خود را از دست داده و حتی استمرار در انجام آن موجب سرخوردگی و وهن دین می شود.

البته پذیرش این معیار به معنای رجحان مدرنیته و سبک زندگی معاصر نیست و به هیچ رو، عرف زمان و فرهنگ مخاطب ملاک دین داری شمرده نمی شود؛ بلکه تنها بر عرفی بودن سیره معصومان عليه السلام و معاشرت ایشان برطبق فرهنگ زمانه خود تأکید دارد. ازاین رو، تا زمانی این معیار معتبر و کارآمد خواهد بود که با سنت های مسلم دینی معارض نباشد و سیره معصوم جزو آموزه های ثابت دین به شمار نیاید.

۲-۳. ملاک تشخیص عرف

پیش از این گفته شد که معیار روا بودن تأسی به سیره معصوم، عرف مخاطب و فرهنگ زمانه است و تا زمانی که سیره معصوم با عرف و باور عمومی جامعه سازگار نباشد، نمی توان بدان تأسی و برپایه آن عمل کرد. اینک این سؤال مهم مطرح می شود که ملاک تشخیص عرف چیست و چگونه می توان عرفی بودن سیره معصوم را احراز کرد؟^۱ دراین باره، مبحث «طرق کشف عرف» که از جمله مباحث دانش فقه به شمار می رود (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۲ / ۴۲۷)، راهگشاست و می توان برپایه نظریه های مطرح دراین باره، به ابزارهای شناخت عرف دست یافت. ازاین رو، برخی از محققان راه هایی برای کشف

۱. از جمع بندی تعاریف ارائه شده از عرف چنین فهمیده می شود که عرفی قابل استناد است که از ویژگی های ذیل برخوردار باشد: الف) فرد خاصی برای ایجاد آن تلاش نکرده و جامعه آن را به دست آورده باشد. ب) جست و جوبرای شناسایی آن ضروری نبوده؛ بلکه خود آشکار و هویدا باشد. ج) هریک از مردم به آسانی آن را بشناسند و نیازی به توضیح نداشته باشد.

مفاهیم عرفی و مصادیق آن پیشنهاد داده‌اند که کاوش ارتکاز مردم،^۱ عناصر شماری و تجزیه و تحلیل مفاهیم و نیز واریسی مصادیق روشن یک مفهوم از جمله آن‌هاست (علیدوست، ۱۳۸۸: ۳۹۶). از سوی دیگر، برخی از فضلا با استناد به عملکرد فقها و اصولیان، سازوکار تحصیل بنای عقلا را استخراج کرده و عناوین پنج‌گانه ادعای ضرورت، استدلال تمثیلی، استدلال نقضی، رفتارشناسی و استکشاف از روایات را معرفی کرده‌اند (شیرازی، ۱۳۹۶: ۳۱-۴۷).

اما آنچه بیش از همه در بین اندیشمندان به عنوان روش رسیدن به نظر عرف شناخته شده، برداشت مکلف و تشخیص مخاطب است^۲ که می‌تواند دلیل روایی یا ناروایی یک رفتار در عرف به شمار آید؛ به این معنا که اگر در سازگاری رفتار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با فرهنگ زمانه تردیدی پدید آمد، با مراجعه به ارتکازات ذهنی مخاطب و نیز بررسی واکنش‌های رفتاری او می‌توان ابهام پدیدآمده را رفع کرد؛ برای نمونه اگر درباره‌ی مجال تأسی به سرمه کشیدن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ابهامی پیش آید، می‌توان با مراجعه به باور شایع جامعه هدف (مثلاً ایرانیان عصر حاضر) در این باره تصمیم‌گیری کرد؛ مگر اینکه مصداق مورد نظر اختلافی بوده و رویه مشهوری درباره‌ی آن وجود نداشته باشد که در این صورت، هر فرد می‌تواند براساس برداشت و تشخیص خود عمل کند.

اما سؤال دیگری که در اینجا مطرح می‌شود این است که در صورت ناسازگاری سیره با عرف، تکلیف مخاطب امروز چیست؟ آیا باید از عمل به سیره معصوم دست شویید و آن را کنار گذارد یا به شیوه‌ای دیگر از آن بهره‌گیری؟ طبیعی است که پاسخ‌گزینه دوم است؛

۱. ارتکاز نوعی ادراک و شعور ناخودآگاه نسبت به معلوماتی است که به عمق اذهان اهل عرف رسوخ کرده است (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹: ۱۴۵).

۲. چنان‌که شیخ انصاری درباره‌ی نحوه تشخیص مفهوم «لهو» آورده است: «مرجع در تشخیص و تبیین مفهوم لهو عرف است و حاکم به تحقق آن در خارج، وجدان و یافت شخصی مکلف است» (انصاری، ۱۴۱۵/۱: ۲۹۷).

زیرا الگوگیری از سیره معصومان علیهم السلام تکلیفی دینی است و ضرورت تأسی به پیشوایان معصوم اقتضا می‌کند که راهکاری برای برون‌رفت از محدودیت موجود در پیش گرفته شود. اما اینکه روش تأسی به این دست از افعال معصوم کدام است و تکلیف مخاطب - در صورت عدم مجال تأسی به نفس فعل معصوم - چیست؟ مسئله‌ای است که در عنوان بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴. انتخاب طریقه تأسی به سیره معصوم

آخرین مرحله در الگوگیری از سیره معصومان علیهم السلام روش و طریقه تأسی به سیره معصوم است؛ زیرا وقتی فعل معصوم مراحل مقدماتی را طی کرده و دارای شرایط تأسی می‌شود، نوبت به مرحله عمل می‌رسد و این سؤال اصلی پدید می‌آید که چگونه باید از سیره معصوم پیروی کرد و طریقه تأسی به سیره کدام است؟ از این رو، باید افزود که تأسی به سیره معصوم دو گونه مختلف دارد: نخست، تأسی به نفس فعل معصوم و دوم، تأسی به اصل حاکم بر فعل؛ چراکه افعال صادرشده از معصوم گاه ساده و بسیط‌اند و بی‌هیچ سعی و زحمتی می‌توان به نفس فعل معصوم اقتدا کرد؛ مانند سلام کردن به کودکان (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲/ ۸۱)، امتناع از دمیدن بر غذا (ابن ماجه، ۱۴۱۸: ۵/ ۲۷) و ایجاد تفاوت در مسیر آمد و شد (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/ ۲۴۸)؛ اما گاه فعل صادرشده از معصوم ابهام یا اجمال دارد و می‌باید با تبیین و تحلیل مضمون آن، به اصل برآمده از فعل تأسی کرد؛ مانند سخت فشردن دست هم‌نشین به هنگام مصافحه (همان، ۱۸۰/ ۲) و یا بخشیدن نیمی از دارایی به نیازمند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/ ۳۴۹).

با توجه به دو گونه یادشده، طریقه تأسی به سیره معصوم به دو قسم مختلف خواهد بود: یکی تأسی مطابقی و دیگری تأسی تضمینی. منظور از روش نخست، عمل به عین فعل معصوم است که بدون تغییر در شکل و صورت فعل، مطابق آنچه از معصوم صادر شده، انجام می‌گیرد. این روش پوشیدگی و پیچیدگی خاصی ندارد و می‌توان بدون وابستگی به قرینه‌ای مشخص بدان ملتزم شد؛ اما مقصود از روش دوم، عمل به مضمون

فعل معصوم است که از طریق شناسایی اصل حاکم بر سیره انجام می‌شود. این روش به تحلیل و تبیین نیازمند است و از طریق گردآوری متون مشابه و تحلیل قرینه‌های مرتبط به دست می‌آید.

۴-۱. ملاک تعیین روش تأسی

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که راه تشخیص روش تأسی چیست و فصل ممیز دو گونه یادشده (مطابقی و تضمینی) کدام است؟ یعنی کجا باید به عین فعل معصوم و کجا به اصل برآمده از فعل اقتدا کرد؟ در پاسخ باید گفت: پس از اثبات سیره بودن فعل معصوم و احراز قابلیت تأسی آن، فعل از نظر شایستگی تأسی در عصر حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ بدین سان در صورتی که عمل به سیره معصوم برای مخاطب امروز مقدور باشد و بتوان بدون محدودیت تاریخی یا فرهنگی به آن اقتدا کرد، از روش نخست استفاده می‌شود؛ اما اگر سیره معصوم به علت تغییر عرف و فرهنگ زمانه، امکان پیروی نداشته باشد و نتوان به عین فعل معصوم تأسی کرد، نوبت به روش دوم می‌رسد. به دیگر سخن، افعال صادرشده از معصوم یا به عرف و فرهنگی خاص محدود نیست و برای همگان قابل پیروی است که در این صورت، امکان تأسی مطابقی به فعل معصوم مهیاست و به عین رفتار ایشان عمل می‌شود یا اینکه در یکی از تنگناهای تاریخی یا فرهنگی گرفتار آمده و مجال تأسی مطابقی ندارد که در این صورت، مضمون فعل معصوم ملاک عمل قرار گرفته و به اصل برآمده از فعل اقتدا می‌شود.

۴-۲. اصول رفتاری معصوم

افعال صادرشده از معصوم گاه در بردارنده اصلی کلی و فراگیر است؛ چنان‌که آنچه معصوم انجام می‌دهد، تنها یکی از مصادیق و افراد آن به شمار می‌رود. این اصل با تحلیل ویژگی‌های نهفته در فعل معصوم به دست می‌آید و با شناخت خصوصیات نمونه تحقیق یافته، امکان اجرا بر روی نمونه‌های جدید پیدا می‌کند؛ برای نمونه تواضع یکی از اصول رفتاری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که به صورت شناور در قالب افعال مختلف ظهور پیدا

می‌کند و مواردی مانند: نشستن بر زمین، بلند شدن در برابر اصحاب، پیشی گرفتن در سلام و هم غذا شدن با نیازمندان (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱/ ۱۴۵) از جمله افراد و مصادیق آن است که به اقتضای وقت تغییر کرده و متناسب با شرایط، توسعه یا تضییق می‌یابد.

یکی دیگر از اصول رفتاری معصوم «اصل اتقان» است که بر رعایت استواری و کیفیت در کار تأکید می‌کند. مطابق روایات وارد شده، رسول خدا ﷺ هنگام دفن فرزند خود، ابراهیم، و نیز دفن سعد بن معاذ با آسیب دیدگی بخشی از دیواره قبر روبه‌رو شدند. ایشان دستور دادند مقداری سنگ و گل تهیه شود و با دستان مبارک خود قبر را ترمیم کرده و خلل پدید آمده را اصلاح کردند. پیامبر ﷺ پس از این رفتار به اصحاب خود فرمودند: «من می‌دانم که این قبر به زودی فرسوده می‌شود؛ ولی خداوند متعال دوست دارد که وقتی بنده اش عملی انجام می‌دهد، محکم و استوار به جا آورد» (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۱/ ۳۱۰؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۳/ ۲۳۶). مطابق این حدیث، رسول خدا ﷺ به مرمت چیزی پرداخت که اصالتاً ارزش دقت و اهتمام نداشت و شاید دیر یا زود دوباره فرسوده و خراب می‌شد؛ اما ایشان با استناد به یک اصل رفتاری چنین القا کردند که هر کاری، هر چند زودگذر و فانی، باید استوار و محکم انجام شده و از سهل‌انگاری و بی‌دقتی در آن پرهیز شود. شناخت اصل یاد شده موجب می‌شود که بُرد فعل پیامبر ﷺ از زمان و مکان آن فراتر رفته و بر دیگر مصادیق و موضوعات قابل انطباق باشد؛ به گونه‌ای که امروزه صاحبان مشاغل و صنایع، پزشکان و معلمان، کشاورزان و دامداران و دیگر اقشار جامعه می‌توانند از این اصل رفتاری الگو بگیرند.

نمونه دیگر «تسهیل رابطه حاکم و مردم» است که به سیره اجتماعی-سیاسی پیامبر ﷺ مربوط می‌شود. بر پایه شماری از روایات، ارتباط رسول خدا ﷺ با مردم جامعه ساده و بی‌تکلف بود. ایشان در منزل خود را نمی‌بست، از نگاهبان استفاده نمی‌کرد و به سادگی در دسترس بود: «پیامبر ﷺ درها را به روی خود نمی‌بست و دربان نداشت و صبح و شام، قابلمه غذا برایش نمی‌آوردند. آن حضرت بارز و آشکار بود و هر کس می‌خواست

ایشان را ببیند، می‌دید» (بیهقی، بی‌تا: ۱۰ / ۱۷۴). آن بزرگوار حتی برای برآوردن حوایج مردم، شخصاً اقدام می‌کرد و در پی خواسته‌های آنان می‌رفت: «رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را دیدم که از منبر فرود می‌آید و مردی حاجتش را به ایشان عرضه می‌کند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همراه او برمی‌خیزد و حاجتش را برآورده می‌کند و سپس می‌آید و به نماز می‌ایستد» (ابوداود سجستانی، بی‌تا: ۱ / ۲۹۲). این سبک زندگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جامعه کوچک مدینه با ویژگی‌های ابتدایی آن امکان‌پذیر بود و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان حاکم جامعه اسلامی می‌توانست به راحتی با افراد جامعه در ارتباط باشند و مشکلات شخصی آنان را به صورت مستقیم برطرف کنند؛ اما این شکل از تعامل، در دوره معاصر که حاکمان اسلامی با گستردگی قلمرو جغرافیایی و افزایش مسائل اجتماعی مواجه‌اند، قابل اجرا نیست. از این رو، ضروری است که روش بهره‌گیری از سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تغییر یابد و رفتار ایشان مطابق با شرایط امروز به‌روز شود. برای این کار، با استفاده از ویژگی‌های رفتاری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌توان اصل حاکم بر افعال ایشان را «تسهیل رابطه حاکم و مردم» دانست و آن را الگوی عملی حاکمان و دولتمردان اسلامی معرفی کرد؛ آن‌گونه که امکان ارتباط ساده و آسان حاکم و مردم فراهم آید و افراد جامعه بتوانند به راحتی مسائل خود را با مسئولان در میان بگذارند.

نتیجه‌گیری

۱. الگوگیری از سیره معصومان علیهم‌السلام محصول مجموعه‌ای از اقدامات است که بر اساس مبانی و قواعدی علمی انجام می‌گیرند.
۲. الگوگیری از سیره معصومان علیهم‌السلام فرایندی چهار مرحله‌ای است که از مرحله گزارش فعل معصوم تا مرحله عمل به سیره معصوم را دربرمی‌گیرد. اثبات صدور فعل معصوم، احراز سیره بودن فعل معصوم، بررسی روا بودن تأسی به سیره معصوم و انتخاب طریقه تأسی به سیره معصوم از مهم‌ترین مراحل الگوگیری یادشده است.
۳. شناخت مراحل پیش‌گفته و پایبندی به فرایند یادشده باعث می‌شود: مراحل

اجرایی الگوگیری از سیره معصوم تبیین شود، امکان سنجش خروجی کار (الگوگیری) فراهم شود، روش بهره‌گیری از سیره معصومان علیهم‌السلام تسهیل گردد و نمونه‌های آسیب‌دیده از الگوگیری شناسایی و قابل ترمیم گردد.

منابع و مأخذ

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الأملی، نشر کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ش.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، کتاب فروشی داوری، قم، ۱۳۸۵ش.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ق.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳ق.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نشر علامه، قم، ۱۳۷۹ق.
۸. ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، المکتبه العصریه، بیروت، بی تا.
۹. ابن ماجه، محمد بن یزید، السنن، دار الجیل، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۱۰. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم ودرر الکلم، دار الکتاب الإسلامی، قم، ۱۴۱۰ق.
۱۱. انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب المحرمه، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، ۱۴۱۵ق.
۱۲. بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، دار الفکر، بیروت، بی تا.
۱۳. حسینی سمنانی، بتول، «خصائص النبی»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۵، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، تهران، ۱۳۹۳ش.
۱۴. حسینیان، حامد، «سیره پویا؛ چالش‌های فراروی عمل به سیره و راه برون رفت از آن»، تاریخ اسلام، شماره ۵۸، تابستان ۱۳۹۳ش.
۱۵. حکیم، سید محمدتقی، الأصول العامة فی الفقه المقارن، مجمع جهانی أهل البيت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۱۸ق.
۱۶. خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، مرکز نشر الثقافه الإسلامیه فی العالم، قم، ۱۴۱۳ق.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۴ش.
۱۸. رفیعی محمدی، ناصر و بهروز حسین پور، «روش تحلیل افعال معصومان با الگوگیری در سبک زندگی»، پژوهش نامه علوم حدیث تطبیقی، شماره ۱۷، پاییز ۱۴۰۱ش.
۱۹. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، نشر هجرت، قم، ۱۴۱۴ق.
۲۰. شعرانی، ابوالحسن، «رساله ای در علم درایه»، مجله نور علم، شماره ۵۰ و ۵۱، فروردین ۱۳۷۲ش.

۲۱. شیرازی، سیدرضا، «آنالیز ابزار اصولی بنای عقلا به روش بررسی مؤلفه‌های واژه‌های آن و تحلیل کاربردها و ارتکازات»، *فقه و اصول*، شماره ۱۰۹، تابستان ۱۳۹۶ ش.
۲۲. طباطبایی، سید محمدکاظم، *منطق فهم حدیث*، مؤسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۹۰ ش.
۲۳. طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الأخلاق*، الشریف الرضی، قم، ۱۴۱۲ ق.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الأحکام*، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۲۵. عالم زاده نوری، محمد، *استنباط حکم اخلاقی از سیره و عمل معصوم*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۱ ش.
۲۷. علیدوست، ابوالقاسم، *فقه و عرف*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ۱۳۸۸ ش.
۲۸. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، انتشارات اشجع، تهران، ۱۳۸۹ ش.
۲۹. غوری، عبدالماجد، *معجم المصطلحات الحدیثیه*، دار ابن کثیر، دمشق، ۱۴۲۸ ق.
۳۰. کامیابی، محمد مهدی، *الگوپردازی از معصومان علیهم‌السلام: مفهوم‌شناسی تأسی و امکان‌سنجی*، مؤسسه فرهنگی-هنری امامت اهل بیت علیهم‌السلام، قم، ۱۳۹۹ ش.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۳۲. کهتری، محسن، «فرایند»، *دانشنامه پیشگام* (<http://pishgam-pedia.rozblog.com>).
۳۳. لیشی واسطی، علی بن محمد، *عیون الحکم و المواعظ*، دارالحدیث، قم، ۱۳۷۶ ش.
۳۴. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۳۵. محمدی ری شهری، محمد، *شناخت نامه حدیث*، دارالحدیث، قم، ۱۳۹۷ ش.
۳۶. مردانی گلستانی، مهدی، «افعال اختصاصی پیامبر و فراگیری تأسی به ایشان»، *مشکوة*، شماره ۱۵۲، آذر ۱۴۰۰ ش.
۳۷. مردانی گلستانی، مهدی، *توسعه استنباط از فعل معصوم*، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۹۸ ش.
۳۸. مردانی گلستانی، مهدی، *عصری‌سازی افعال پیامبر: مبانی، مراحل و نمونه‌ها*، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۴۰۱ ش.
۳۹. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، *فرهنگ‌نامه اصول فقه*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۹ ش.
۴۰. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۴۱. معین، محمد، *فرهنگ فارسی معین*، انتشارات راه رشد، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۴۲. نبوی، سید عباس، «تحلیل جامعه‌شناختی سیره سیاسی امامان»، *اندیشه حوزه*، شماره ۷۴، اسفند ۱۳۸۷ ش.
۴۳. نجفی، روح‌الله، «تحلیل فرایند الگویابی از رفتار شخصیت‌ها در قصه‌های قرآن»، *انسان پژوهی دینی*، شماره ۴۳، بهار ۱۳۹۹ ش.
۴۴. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.